

به نام خدا

اگزستانسیال و سایکو آنکولوژی: راهکارهای بالینی برای مواجهه با بیماری و معنا

مؤلف:

ثریاهمتی پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : همتی پور، ثریا، ۱۳۴۷
عنوان و نام پدیدآور: آگزستانسیال و سایکوآنکولوژی: راهکارهای بالینی برای مواجهه با بیماری و معنا /
مؤلف: ثریاهمتی پور
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۴۱۴ص.
شابک : ۸-۷۸۶-۱۱۷-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : آگزستانسیال و سایکوآنکولوژی- راهکارهای بالینی برای مواجهه با بیماری و معنا
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : آگزستانسیال و سایکوآنکولوژی: راهکارهای بالینی برای مواجهه با بیماری و معنا

مؤلف : ثریاهمتی پور

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴

چاپ: زبرجد

قیمت: ۵۴۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۸-۷۸۶-۱۱۷-۶۲۲-۹۷۸

تلفن مرکز یخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

۷	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۹	فصل اول: مبانی نظری و فلسفی روان‌درمانی اگزستانسیال در سایکوانکولوژی
۳۰	تاریخچه و فلسفه اگزستانسیالیسم در روان‌درمانی:
۳۷	لوگوتراپی و معنادرمانی: میراث و کاربرد:
۴۰	مفاهیم کلیدی: معنا، اصالت، آزادی و مسئولیت:
۴۳	اضطراب وجودی و مواجهه با مرگ در بیماران سرطانی:
۴۹	تنهایی، انزوا و وابستگی در بیماران مبتلا به سرطان:
۵۲	جایگاه اگزستانسیال در سایکوانکولوژی: ارتباط روان و جسم:
۵۴	نقدها و محدودیت‌های فلسفی و عملی درمان اگزستانسیال:
۵۹	فصل دوم: سایکوانکولوژی و نیازهای روانی بیماران سرطانی
۶۵	تعریف و اهداف سایکوانکولوژی:
۷۲	تأثیر سرطان بر سلامت روان و کیفیت زندگی:
۷۷	اختلالات اضطرابی و افسردگی در بیماران سرطانی:
۸۲	بحران‌های هویت و تغییر نقش اجتماعی:
۸۶	تجربه درد، رنج و معنای زندگی:
۹۰	پاسخ‌های وجودی به تشخیص بیماری و درمان:
۹۳	نیازهای عاطفی و روانی خانواده و مراقبان:
۹۶	مدل‌های بالینی رایج در سایکوانکولوژی:
۱۰۱	فصل سوم: اصول بالینی درمان اگزستانسیال برای بیماران سرطانی

- شناسایی بحران‌های وجودی بیماران: ۱۰۶
- ارزیابی معنایی و روانی بیمار: ۱۱۰
- ایجاد رابطه درمانی مبتنی بر اعتماد و اصالت: ۱۲۱
- استفاده از پرسش‌های اگزیستانسیال در مصاحبه بالینی: ۱۲۷
- تمرین حضور و پذیرش در جلسه درمان: ۱۳۰
- تکنیک‌های گوش دادن فعال و همدلی اگزیستانسیال: ۱۳۳
- شناسایی منابع معنایی بیمار: ۱۳۹
- تنظیم اهداف درمانی شخصی و واقع‌بینانه: ۱۴۲
- فصل چهارم: مداخلات فردی اگزیستانسیال در سایکوانکولوژی ۱۴۹**
- معنادرمانی فردی: ۱۵۳
- لوگو تراپی برای مقابله با یأس و فقدان معنا: ۱۵۷
- تکنیک‌های بازسازی شناخت وجودی: ۱۶۱
- مواجهه با اضطراب مرگ و فناپذیری: ۱۶۶
- تمرین آزادی و انتخاب مسئولانه: ۱۷۱
- استفاده از خاطره و زندگی‌نامه درمانی: ۱۷۵
- روش‌های مقابله با تنهایی و جدایی: ۱۷۸
- پایش پیشرفت و بازخورد بالینی: ۱۸۱
- فصل پنجم: مداخلات گروهی و خانوادگی اگزیستانسیال ۱۸۷**
- درمان گروهی مبتنی بر معنا برای بیماران سرطانی: ۱۹۱
- کار با خانواده‌ها و حمایت از مراقبان: ۱۹۵
- تکنیک‌های همدلی و بیان احساسات در گروه: ۲۰۰

۲۰۴.....	مواجهه جمعی با اضطراب و ترس از مرگ:
۲۱۰.....	تمرینات معنا و اصالت در محیط گروه:
۲۱۶.....	کاهش انزوا و ایجاد حمایت اجتماعی:
۲۲۲.....	نقش گروه در تقویت امید و انگیزه:
۲۲۹.....	ارزیابی اثر بخشی گروهی و معیارهای بالینی:
۲۳۹.....	فصل ششم: کاربرد روش‌های اگزستانسیال در مراحل پیشرفته و مراقبت پایان‌زندگی
۲۴۶.....	مفهوم پایان زندگی در سایکوانکولوژی:
۲۵۲.....	بحران وجودی و معنایی در بیماران پیشرفته:
۲۵۹.....	معنادرمانی در مراحل پایانی بیماری:
۲۶۶.....	حمایت روانی خانواده و مراقبان در مرگ بیمار:
۲۷۱.....	تکنیک‌های کاهش اضطراب و تنهایی اگزستانسیال:
۲۷۷.....	ارتقای کیفیت زندگی با تمرکز بر معنا:
۲۸۱.....	جلسات درمانی کوتاه مدت و موثر در مراقبت‌های پالیاتیو:
۲۸۶.....	ثبت تجربیات و خاطرات برای ارزش‌گذاری زندگی:
۲۹۱.....	فصل هفتم: ترکیب روش‌های اگزستانسیال با رویکردهای دیگر سایکوانکولوژی
۳۰۰.....	تلفیق اگزستانسیال و شناختی-رفتاری (CBT):
۳۱۰.....	ترکیب معنادرمانی و مداخلات روان‌تنی:
۳۱۵.....	استفاده از تکنیک‌های آرام‌سازی و ذهن‌آگاهی:
۳۲۱.....	ادغام اگزستانسیال با مداخلات هنری و موسیقی‌درمانی:
۳۲۵.....	نقش معنادرمانی در مدیریت درد و رنج جسمی:

۳۲۹.....	تلفیق با حمایت اجتماعی و روان‌شناسی مثبت:
۳۳۴.....	طراحی برنامه‌های ترکیبی بالینی و شخصی‌سازی درمان:
۳۳۹.....	ارزیابی نتایج تلفیقی و شواهد علمی:
۳۴۵.....	فصل هشتم: ارزیابی، پژوهش و آینده درمان اگزیزتانسیال در سایکوانکولوژی
۳۵۰.....	ابزارهای ارزیابی اضطراب و معنای زندگی:
۳۵۵.....	معیارهای سنجش اثربخشی درمان اگزیزتانسیال:
۳۶۱.....	مطالعات پژوهشی و شواهد علمی موجود:
۳۶۷.....	چالش‌ها و محدودیت‌های پژوهش در سایکوانکولوژی اگزیزتانسیال:
۳۷۴.....	راهکارهای بهبود مداخلات و آموزش درمانگران:
۳۸۰.....	استفاده از تکنولوژی و درمان آنلاین اگزیزتانسیال:
۳۸۵.....	پیش‌بینی روندهای نوین و آینده درمان معنادرمانگرانه:
۳۹۱.....	چشم‌انداز بین‌المللی و گسترش کاربردهای بالینی:
۳۹۵.....	پیشنهادات و راهکارهای علمی:
۴۰۰.....	نتیجه‌گیری :
۴۰۹.....	منابع

مقدمه

در سال‌های اخیر، توجه به ابعاد روان‌شناختی و معنایی تجربه بیماری‌های مزمن، به ویژه سرطان، به عنوان یکی از نیازهای حیاتی مراقبت‌های جامع سلامت مطرح شده است. بیماران سرطانی نه تنها با فشارهای فیزیکی درمان مواجه‌اند، بلکه بحران هویت، اضطراب وجودی و فقدان معنا نیز از چالش‌های اساسی آنها به شمار می‌آید. روان‌درمانی وجودی یا اگزیستانسیال، با تمرکز بر مفاهیم بنیادی زندگی از جمله آزادی، مسئولیت، مرگ، معنا و تنهایی، به عنوان چارچوبی مؤثر برای مواجهه با این بحران‌ها شناخته می‌شود. این رویکرد معتقد است که تجربه بیماری، به ویژه بیماری‌های تهدیدکننده زندگی، اغلب بیماران را وادار می‌کند تا پرسش‌های عمیق درباره زندگی، ارزش‌ها و هدف وجود خود مطرح کنند و در این مسیر، درمانگر می‌تواند نقش راهنمای معنایی و حمایتی ایفا کند. سایکوانالوژی به عنوان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای، تعامل نزدیک بین روان‌شناسی و انکولوژی را مدنظر دارد و با بررسی ابعاد روانی، عاطفی و رفتاری بیماران مبتلا به سرطان، تلاش می‌کند به ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی آنان کمک کند. تحقیقات نشان داده‌اند که درمان‌های مبتنی بر معنا و درمان‌های وجودی می‌توانند اثرات قابل توجهی بر کاهش اضطراب، افسردگی و احساس بی‌معنایی در بیماران سرطانی داشته باشند. این امر به ویژه در مراحل درمانی حساس، مانند تشخیص اولیه، درمان‌های تهاجمی و دوره بازتوانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. رویکرد اگزیستانسیال، با فراهم کردن فضایی امن برای بیان ترس‌ها، نگرانی‌ها و

شکاف‌های معنا، امکان بازتعریف تجربه بیماری را فراهم می‌آورد و به بیماران کمک می‌کند تا با بحران خود مواجه شوند، نه آن را انکار یا سرکوب کنند.

یکی از اصول کلیدی درمان اگزیزتانسیتال، توجه به آزادی و مسئولیت فردی است. بیماران سرطانی، با وجود محدودیت‌های جسمانی و تهدید به مرگ، همچنان قادرند انتخاب‌هایی درباره نگرش‌ها، رفتارها و نحوه مواجهه با شرایط خود داشته باشند. درمانگر وجودی، با برجسته‌سازی این آزادی، بیماران را ترغیب می‌کند تا معنا و ارزش‌های شخصی خود را بازشناسند و در مواجهه با بیماری، حس کنترل و اختیار خود را بازیابند. همچنین، مفهوم مرگ و فناپذیری، که اغلب در سایه بیماری برجسته می‌شود، فرصتی برای تأمل عمیق درباره زندگی و اولویت‌ها فراهم می‌آورد و می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌های جدید، پذیرش و رشد روانی منجر شود.

در کنار این ابعاد فلسفی و روان‌شناختی، سایکوانکولوژی تأکید ویژه‌ای بر شناسایی و مدیریت علائم روانی و جسمی همراه با بیماری دارد. اضطراب، افسردگی، بی‌خوابی، اختلالات شناختی و تغییرات خلقی، از جمله مسائل شایع در بیماران سرطانی هستند که درمان‌های روان‌درمانی اگزیزتانسیتال می‌توانند به کاهش شدت و پیامدهای آنها کمک کنند. رویکردهای بالینی شامل جلسات فردی، گروه‌های حمایتی، مداخلات کوتاه‌مدت مبتنی بر معنا و تکنیک‌های شناختی-رفتاری با رویکرد وجودی است که با تمرکز بر ارزش‌ها، اهداف و معنا، سلامت روان بیماران را ارتقا می‌دهند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این رویکرد،

تأکید بر تجربه شخصی و یکتا بودن هر بیمار است. هیچ بیمار سرطانی دو تجربه مشابه ندارد و هر فرد با سابقه، باورها، ارزش‌ها و زمینه‌های فرهنگی خود، به شکل متفاوتی با بیماری مواجه می‌شود. درمانگر اگزستانسیال، با ایجاد فضایی همدلانه و غیرقضاوتی، امکان کشف و بازتعریف تجربه فردی را فراهم می‌کند و از طریق شنیدن فعال، بازتاب احساسات و هدایت به سمت معنا، بیماران را در مسیر بازسازی روانی و معنوی همراهی می‌نماید.

تحقیقات بالینی نشان داده‌اند که ترکیب رویکردهای اگزستانسیال با مداخلات روان‌تنی، مانند تمرینات تنفسی، مدیتیشن و تمرکز حسی، می‌تواند اثرات مثبت بیشتری بر کاهش استرس و افزایش کیفیت زندگی داشته باشد. این مداخلات، با کاهش نشانه‌های جسمانی اضطراب و افسردگی، فضای ذهنی بیماران را برای پذیرش و بازسازی معنا آماده می‌سازند. علاوه بر این، گروه‌های حمایتی مبتنی بر درمان وجودی، امکان تعامل با دیگر بیماران، به اشتراک‌گذاری تجربیات و تقویت حس تعلق و همدلی را فراهم می‌کنند که خود یکی از منابع مهم مقابله با بحران‌های روانی است.

در مواجهه با بیماران سرطانی، مفهوم معنا از اهمیت بالایی برخوردار است. معنا، نه تنها به شکل‌گیری انگیزه برای ادامه درمان کمک می‌کند، بلکه تحمل درد و دشواری‌های جسمانی و روانی را نیز آسان‌تر می‌سازد. رویکرد اگزستانسیال، با پرسشگری درباره اهداف، ارزش‌ها و اهداف زندگی، بیماران را ترغیب می‌کند تا معنا را در تجربه بیماری خود بیابند و در نتیجه، هم سلامت روان و هم کیفیت زندگی آنها

بهبود یابد. ایجاد معنا، می تواند به شکل تغییر نگرش نسبت به بیماری، یافتن فرصت‌های یادگیری، تقویت روابط بین فردی و بازتعریف اولویت‌های زندگی ظاهر شود.

یکی از چالش‌های بالینی، مواجهه با احساس تنهایی و انزوا در بیماران سرطانی است. بیماران، به دلیل محدودیت‌های جسمانی و تغییرات اجتماعی، اغلب دچار جدایی اجتماعی می‌شوند و این موضوع بر شدت افسردگی و اضطراب آنها می‌افزاید. رویکرد اگزیزستانسیال، با تأکید بر تنهایی به عنوان بخشی از تجربه انسانی و بازشناسی آن به جای سرکوب، به بیماران کمک می‌کند تا با این احساس کنار بیایند و از طریق تعاملات معنادار با دیگران و ایجاد پیوندهای عاطفی، حمایت روانی لازم را دریافت کنند.

در حوزه سایکوانکولوژی، توجه به خانواده و شبکه اجتماعی بیمار نیز اهمیت بالایی دارد. حمایت خانواده، مشارکت در تصمیم‌گیری درمانی و حضور فعال در مسیر بازتوانی، اثرات مثبت روانی و معنایی بسیاری دارد. درمانگر اگزیزستانسیال، با آموزش مهارت‌های ارتباطی و تأکید بر بازشناسی ارزش‌ها و معنا برای کل خانواده، می‌تواند به ایجاد محیط حمایتی و ارتقای سلامت روانی تمامی اعضا کمک کند. این رویکرد، با تلفیق دیدگاه‌های روان‌شناسی، فلسفه وجودی و مراقبت‌های بالینی، چارچوبی جامع برای مواجهه با بیماری و رشد روانی بیماران ارائه می‌دهد.

در مجموع، تلفیق درمان وجودی و سایکوانکولوژی، به عنوان یک رویکرد بالینی نوین، توانایی پاسخگویی به نیازهای روانی و معنایی بیماران سرطانی را دارد. این رویکرد، با تأکید بر معنا، مسئولیت فردی، آزادی

انتخاب و پذیرش محدودیت‌ها، بیماران را در مسیر مواجهه سالم با بیماری و بازسازی تجربه وجودی خود همراهی می‌کند. اهمیت آموزش بالینی درمانگران، ایجاد محیط حمایتی، ترکیب مداخلات فردی و گروهی و توجه به زمینه‌های فرهنگی و شخصی بیماران، از عوامل کلیدی موفقیت این رویکرد به شمار می‌آیند. تحقیقات نشان می‌دهند که مداخلات مبتنی بر معنا و وجود، نه تنها سطح اضطراب و افسردگی بیماران را کاهش می‌دهند، بلکه به بهبود عملکرد جسمانی، افزایش انگیزه برای ادامه درمان و ارتقای کیفیت زندگی منجر می‌شوند. این دستاوردها، ضرورت آموزش تخصصی درمانگران و توسعه برنامه‌های بالینی مبتنی بر اگزیزتانسیال و سایکوانکولوژی را بیش از پیش نمایان می‌سازند.

مواجهه با بیماری‌های تهدیدکننده زندگی، فرصتی برای بازاندیشی درباره زندگی، ارزش‌ها و هدف وجود فراهم می‌آورد. رویکردهای اگزیزتانسیال و سایکوانکولوژی، با تأکید بر تجربه فردی، ایجاد معنا، تقویت روابط و ارتقای سلامت روانی، چارچوبی علمی و عملی برای مراقبت جامع و انسانی از بیماران ارائه می‌دهند. این رویکردها، فراتر از درمان علائم جسمانی، به رشد معنوی، روانی و اجتماعی بیماران توجه دارند و امکان تبدیل تجربه بیماری به فرصتی برای بازسازی وجود و ارتقای کیفیت زندگی را فراهم می‌کنند.

پیشگفتار

مواجهه با بیماری‌های مزمن و تهدیدکننده زندگی، به ویژه سرطان، تجربه‌ای است که نه تنها بر جسم فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه ابعاد روانی، اجتماعی و معنایی وجود را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیماران در این مسیر با اضطراب، افسردگی، ترس از مرگ، احساس بی‌معنایی و تغییرات هویتی روبه‌رو می‌شوند که مراقبت‌های پزشکی صرف، قادر به پاسخگویی کامل به آن‌ها نیست. روان‌درمانی اگزستانسیال، با تمرکز بر مفاهیم بنیادی زندگی شامل آزادی، مسئولیت، مرگ، تنهایی و معنا، چارچوبی جامع برای فهم و حمایت از بیماران فراهم می‌آورد. این رویکرد بر این اصل استوار است که تجربه بیماری اغلب پرسش‌های عمیق وجودی را در بیماران برمی‌انگیزد و درمانگر به عنوان راهنما، فضای امنی برای کاوش این پرسش‌ها فراهم می‌کند. سایکوانکولوژی، به عنوان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای، تعامل نزدیک روان‌شناسی و انکولوژی را مدنظر دارد و با تحلیل ابعاد روانی، عاطفی و رفتاری بیماران، اهدافی فراتر از درمان جسمانی ارائه می‌دهد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که مداخلات مبتنی بر معنا و درمان وجودی می‌توانند سطح اضطراب و افسردگی بیماران را کاهش دهند و کیفیت زندگی آن‌ها را ارتقا بخشند. اهمیت این رویکردها در مراحل حساس درمان، از جمله تشخیص اولیه، درمان‌های تهاجمی و بازتوانی، برجسته‌تر می‌شود، زیرا در این مراحل بیماران بیشترین نیاز را به حمایت روانی و معنایی دارند.

در درمان اگزیزتانسیال، تأکید بر آزادی و مسئولیت فردی است. حتی در شرایط محدودیت‌های جسمانی و تهدید به مرگ، بیماران توانایی انتخاب نگرش‌ها، رفتارها و نحوه مواجهه با وضعیت خود را دارند. درمانگر وجودی، با برجسته‌سازی این توانمندی، بیماران را به بازشناسی ارزش‌ها و اهداف شخصی وادار می‌کند و امکان بازیابی حس اختیار و کنترل را فراهم می‌آورد. مرگ و فناپذیری، که اغلب در سایه بیماری برجسته می‌شود، فرصتی برای بازاندیشی درباره زندگی و اولویت‌ها فراهم می‌کند و پذیرش آن می‌تواند منجر به رشد روانی و بازتعریف معنا شود. اضطراب، افسردگی، بی‌خوابی، تغییرات خلقی و اختلالات شناختی از مشکلات شایع بیماران سرطانی هستند. درمان‌های وجودی و سایکوانالوژیک با تمرکز بر ارزش‌ها، اهداف زندگی و معنا، قادر به کاهش شدت این علائم و بهبود عملکرد روانی بیماران هستند. جلسات فردی، گروه‌های حمایتی، مداخلات کوتاه‌مدت مبتنی بر معنا و ترکیب با تکنیک‌های شناختی-رفتاری از جمله روش‌های بالینی مؤثر در این حوزه به شمار می‌آیند.

تجربه هر بیمار منحصر به فرد است و درمانگر اگزیزتانسیال، با توجه به زمینه فرهنگی، باورها و ارزش‌های فرد، فضای غیرقضاوتی و همدلانه‌ای فراهم می‌کند تا بیمار بتواند تجربه خود را بازتعریف کند. شنیدن فعال، بازتاب احساسات و هدایت به سمت معنا، ابزارهای کلیدی در این فرآیند هستند. مداخلات روان‌تنی مانند تمرینات تنفسی، مدیتیشن و تمرکز حسی نیز می‌توانند اثرات مثبت روانی و جسمانی بیماران را تقویت کنند و ظرفیت آن‌ها برای پذیرش شرایط و بازسازی معنا را افزایش دهند.

گروه‌های حمایتی مبتنی بر درمان وجودی، امکان تبادل تجربه، ایجاد همدلی و حس تعلق را فراهم می‌کنند که به کاهش احساس تنهایی و انزوا کمک می‌کند. تنهایی و انزوا، تجربه‌ای رایج در بیماران سرطانی است که می‌تواند شدت اضطراب و افسردگی را افزایش دهد، اما درمان وجودی با بازشناسی این احساس‌ها و پذیرفتن آن‌ها، امکان کنار آمدن با تنهایی و ایجاد پیوندهای معنادار را می‌دهد.

پیدا کردن معنا، چه در تجربه بیماری و چه در زندگی روزمره، نقش کلیدی در افزایش انگیزه برای ادامه درمان و تحمل دشواری‌ها دارد. معنا می‌تواند از طریق بازتعریف تجربه، تمرکز بر رشد شخصی، تقویت روابط میان‌فردی و شناخت ارزش‌های زندگی حاصل شود. درمانگر اگزستانسیال، با پرسشگری هدفمند و هدایت بیمار به سوی بازشناسی اهداف و ارزش‌های شخصی، مسیر یافتن معنا را تسهیل می‌کند. حمایت خانواده و شبکه اجتماعی، اثرات روانی و معنایی چشمگیری بر بیماران دارد. مشارکت خانواده در مراقبت و تصمیم‌گیری، ارتقای حس امنیت و کاهش اضطراب را به همراه دارد. آموزش مهارت‌های ارتباطی و معنایی به خانواده‌ها، بخش مهمی از رویکرد سایکوانکولوژیک است و موجب ایجاد محیط حمایتی برای بیمار و اعضای خانواده می‌شود. تلفیق دیدگاه‌های روان‌شناختی، فلسفی و بالینی، چارچوبی جامع برای مواجهه با بیماری و رشد روانی ارائه می‌دهد. در مواجهه با بیماران سرطانی، آموزش بالینی درمانگران و توسعه برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر اگزستانسیال و سایکوانکولوژی اهمیت حیاتی دارد. این آموزش‌ها، شامل توانمندسازی درمانگران در شناسایی نیازهای روانی و معنایی، طراحی مداخلات فردی و گروهی، و توجه به زمینه‌های فرهنگی و شخصی بیماران است.